

رویداد

برگزاری یازدهمین همایش کارآفرینی زنان در حوزه گردشگری

● انجمن زنان کارآفرین با هدف کمک به‌ترویج و توسعه کارآفرینی زنان و کسب‌وکارهای جدید در حوزه گردشگری، یازدهمین همایش خود را در شهرستان بقم برگزار می‌کند.
دبای که موسسان انجمن در اوان شکل‌گیری، برای تحکیم دوستی خود، همراه با همدردی با مردمان آسیب‌دیده در زلزله، آن را انتخاب کردند و اینک با تقرارن دهمین سال حیات انجمن در این مکان دانستیم و دانستند که نهاد مدنی با وجود فرازونشیب‌های پیرامونی می‌تواند نقش و هویت اجتماعی خود را ازجمله کمک به جریان‌سازی کارآفرینی زنان در ایران تثبیت کند.
در این مسیر و در راستای تحقق اهداف همایش کارآفرینی زنان در حوزه گردشگری، ضمن قدردانی از سازمان‌ها و نهادهای پشتیبان خود به‌ویژه سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری، سازمان عمران کرمان، اتاق بازرگانی کرمان، معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران، مجتمع آموزش عالی بم، هواپیمایی ماهان و مدیریت ارگ جدید، فرمانداری بم، شورای شهر بم و استانداری کرمان بر این باوریم که:

۱- در شرایط اقتصادی پرچالش کنونی به‌ویژه متأثر از کاهش قیمت نفت، موضوع گردشگری که سومین موضوع درآمدزا در سطح جهانی است، فرصت مغفتمی برای ترویج کارآفرینی در این حوزه است.

۲- آگاهی نسبت به چالش‌های پیش‌رو در حوزه گردشگری به‌ویژه یکپارچگی در اندیشه و عمل اجتماعی و اقتصادی در میان عناصر و دستگاه‌های متولی و ذی‌ربط، نیازی اساسی است که نبود آن در جامعه‌ایان آسیب جدی‌تری را همراه خود داشت.

به همین دلیل باید به‌جد به آن پرداخت، در این صورت است که می‌توان به زیرساخت‌ها پرداخت.
۳- گردشگری حوزه‌ای است که در درون خود رشته‌های متعددی را بارور می‌کند. فرصت ویژه‌ای است که جامعه زنان می‌توانند فعالیت‌های کارآفرینانه و کسب‌وکارهای نو ایجاد کنند. پیشنهاد می‌شود معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری با سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری همراه با کمک‌های فکری و اجرایی نهادهای مدنی به‌ویژه اتاق بازرگانی، مفاد توسعه‌ای این حوزه را در برنامه‌ششم تدوین و لحاظ کنند.

۴- توسعه پایدار روستا به‌ویژه روستاهایی با پتانسیل گردشگری می‌تواند بر محور گردشگری متمرکز باشد. بخش خصوصی و نهادهای مدنی همراه با پشتیبانی دستگاه‌های دولتی ذی‌ربط، نقش مؤثری در این راستا دارند. زنان روستایی مهم‌ترین عامل شکل‌گیری و توسعه این مهم هستند.

۵- رسانه ملی در ترویج فرهنگ گردشگری در ایران هنوز سهم مؤثری ایفا نکرده است. مستندسازی تجارب الگوهای موفق، کمک به طرح چالش‌ها و فرصت‌های موجود در حوزه گردشگری در ایران و نیز انتقال تجارب موجود جهانی، نقشی محوری است که برعهده رسانه ملی است. پیشنهاد می‌شود دانشکده‌های گردشگری و به‌ویژه دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران با استفاده از دستاوردهای نهادهای مدنی و بخش خصوصی به این مهم بپردازند.

۶- بر این باوریم که گردشگری نه صرف تفریح و سرگرمی که به‌عنوان مقوله‌ای اقتصادی و کمک به توسعه ملی مطرح است. زنان در این مسیر نقش اساسی دارند.

۷- انجمن زنان کارآفرین آمادگی خود را برای هرگونه همفکری و همکاری با دستگاه‌های متولی به‌ویژه سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری برای ترویج و توسعه کسب‌وکارهای نو در حوزه گردشگری و الگوسازی زنان کارآفرین در این حوزه اعلام می‌دارد.

گذر

شناسایی ذخایر جدید آب در جنوب وشرق کشور

● **مهر:** یک‌مقام‌مسوول در وزارت نیرو از آغاز مطالعه آب‌های ژرف در استان‌های خراسان‌رضوی و سیستان‌وبلوچستان برای کشف ذخایر جدید آبی خبر داد.
رضا راعی‌عزآبادی مطالعه و رفتارسنجی منابع آب کشور اعم از ریزش‌های جوی، جریان‌های سطحی، منابع آب زیرزمینی و همچنین بررسی‌های تلفیقی این منابع در دو منطقه «هزارمسجد» خراسان‌رضوی و منطقه «زابل» در استان سیستان‌وبلوچستان به‌صورت پایلوت آغاز شده و شرح خدمات مطالعه این منابع برای کل‌کشور نیز در دست تدوین است تا مشخص شود کدام‌یک از مناطق کشور پتانسیل وجود منابع آب ژرف را دارند.

وحید صابری: «انقلاب فرجام محتوم و نهایی یک جامعه نیست، زیرا اگر دولت‌ها بتوانند فرآیند توسعه را به‌گونه مناسبی پیش ببرند، می‌توانند از وقوع انقلاب پیشگیری کنند، اما اگر حکومت وظایف توسعه‌ای خود را به‌هردلیلی به‌خوبی انجام ندهد طبیعی است که جامعه می‌تواند آبستن تحولات دیگری باشد.»
این سخنان یک اقتصاددان در موسسه دین و اقتصاد پیرامون عوامل اقتصادی منجر به انقلاب سال۵۷ است.
علی دینی‌ترکمانی در این نشست با اینکه منشأ تحولات سیاسی و انقلاب‌ها خود حکومت‌ها هستند و می‌توانند از وقوع آن جلوگیری کنند، گفت: «درست است دولت از دل تاریخی به وجود می‌آید که پر از اشکالات و کژی‌ها است، درست است فرهنگی که دولت در آن شکل گرفته مواعی بر سر راه توسعه قرار می‌دهد، اما باید بتواند با سرمایه و قدرتی که در دست دارد این موانع و کژکارکردهای جامعه را اصلاح کند. اگر این اتفاق نیفتد نشانگر ضعیف‌بودن دولت است.»
مشروح این نشست دربی می‌آید:

انقلاب فرجام محتوم و نهایی یک جامعه نیست، زیرا اگر دولت‌ها بتوانند فرآیند توسعه را به‌گونه مناسبی پیش ببرند، می‌توانند از وقوع انقلاب پیشگیری کنند و اگر در این‌کار ناموفق عمل کنند، عدم‌توازن در جامعه، زمینه انقلاب را فراهم می‌کند.

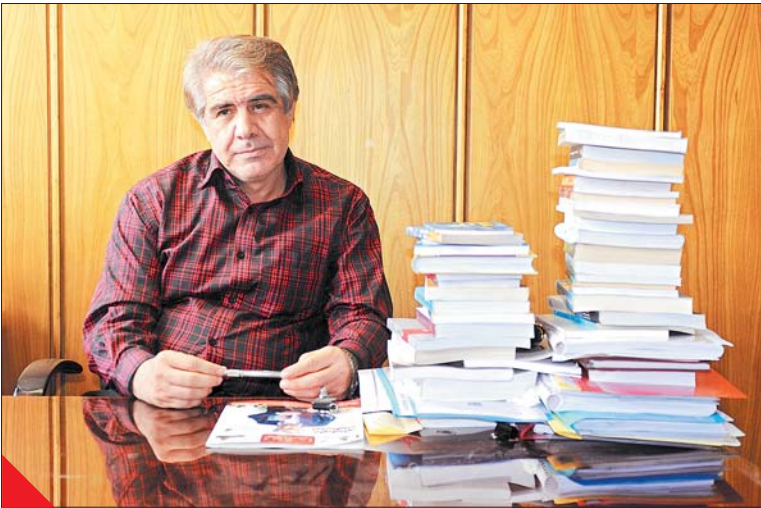
به نظر من اگر پهلوی اول یا دوم از عقلانیتی برخوردار بودند، که از یک‌حکومت‌خودگردان حل‌شده در اجتماع، یا یک‌دولت توسعه‌خواه انتظار می‌رود، می‌توانستند از وقوع انقلاب جلوگیری کنند.
ایوانس در کتاب توسعه یا چپاول، تمام تلاش خود را می‌کند که نشان دهد بر مبنای تجربه کره‌جنوبی، هند و برزیل، فرآیند توسعه بدون‌وجود یک‌دولت توسعه‌خواه پیش نمی‌رود.
دولت توسعه‌خواه دولتی است که بتواند همزمان از عهده چندنقش برآید. این دولت باید هم قدرت تولی‌گری و تصدی‌گری امور را داشته باشد و هم قدرت پرورش‌دهنده خوبی داشته باشد.
برای مثال شرکت‌هایی مثل سامسونگ و ال‌جی از دل ائتلافی بیرون آمدند که دولت کره‌جنوبی توانسته بین خود و بخش خصوصی و سرمایه خارجی ایجاد کنند. این ائتلاف کمک کرده اقدام جمعی در فرآیند انباشت سرمایه به‌خوبی پیش برود و درنتیجه چنین شرکت‌هایی شکل بگیرند.
برای مثال دولت کره زمینه همکاری‌های استراتژیک بین بنگاه‌ها را در این کشور فراهم کرده است.
دولت برای پیشبرد توسعه جنوبی به استراتژیست را داشته و درعین‌حال از سرمایه ملی و سرمایه جهانی در جهت عملیاتی‌کردن طرح‌ها و پروژه‌های اقتصادی به‌خوبی استفاده کرده است.
همان دولت وقتی بخش خصوصی گسترش پیدا کرد و شرکت‌های چندملیتی ظهور کردند و قدرت چانه‌زنی بیشتری پیدا کردند و توازن قدرت بین بخش خصوصی و دولت به‌هم‌خورد، راه را بر مطالبات سیاسی بخش‌خصوصی نیست و تن به اصلاحات داد. اگر دولت کره‌جنوبی در سال ۱۹۹۰ این پوست‌اندازی سیاسی را نمی‌کرد امروز کره‌جنوبی وضعیت دیگری داشت.
بنابراین همان‌طور که دولت‌ها فرآیند توسعه را پیش می‌برند، همان دولت‌ها هم هستند که با عملکرد نادرست خود عامل وقوع بحران و حتی انقلاب می‌شوند.
بر همین اساس از یک‌دولت که به قول بوردویو حکم فراسرمایه را دارد و به تعبیرویر دارای اقتدار قانونی خاصی است و ابزارهای مختلفی در دست دارد این انتظار می‌رود که بتواند این مسایل را مدیریت کند.
این همان بحثی است که پیکتی در کتاب سرمایه در قرن ۲۱ مطرح می‌کند. او در نقد نظام سرمایه‌داری می‌گوید اگر یک نظام حکمرانی جهانی شکل نگیرد که درآمد و ثروت را در مقیاس جهانی بازتوزیع کند، دستاوردهای تا حدی دموکراتیک نظام سرمایه‌داری به فنا خواهد رفت.
این وظیفه برعهده دولت است، یعنی فرض می‌شود که دولت توانایی پیشبرد این سیاست را دارد.
درست است دولت از دل تاریخی به وجود می‌آید که پر از اشکالات و کژی‌ها است، درست است که فرهنگی که دولت در آن شکل گرفته مواعی بر سر راه توسعه قرار می‌دهد، اما باید بتواند با سرمایه و قدرتی که در دست دارد این موانع و کژکارکردهای جامعه را اصلاح کند.
اگر این اتفاق نیفتد نشانگر ضعیف‌بودن دولت است.

ممکن است گفته شود که این دولت از دل این جامعه بیرون آمده و نمی‌تواند جامعه خودش را تغییر دهد.
در پاسخ باید گفت که فرض بر این است که دولتمردان نخیکانی هستند که چند گام از جامعه جلوتر هستند و همان نقشی را ایفا می‌کنند که روشنفکران جامعه خواستار آن هستند.
فرق روشنفکران و دولتمردان جامعه در این است که روشنفکران منابع قدرتی برای بازسازی فرهنگی جامعه و ارتقاء سطح آگاهی ندارند اما دولت از چنین منابعی برخوردار است.
اگر این بینش و آگاهی در دولتمردان وجود داشته باشد، آنها به سراغ کار فرهنگی در مدارس و دیگر جاهای کشور می‌روند و به‌تدریج و نه یک‌شبه این مساله را حل می‌کنند.
بنابراین بحث از این نیست که جامعه مساله فرهنگی ندارد یا جامعه اسیر مساله رانت نیست، این مسایل وجود دارند اما

اقتصاد

علی دینی‌ترکمانی در موسسه دین واقتصاد

انقلاب فرجام دولت توسعه‌گرا نیست



علی دینی‌ترکمانی

می‌خواست اشرفیت زمین‌دار را تضعیف کند و راه را برای شکل‌گیری بورژوازی صنعتی هموار کند.
بعدها از دل این‌کار امثال هژبر یزدانی و خرمی به‌عنوان نمونه اشرفایت صنعتی ظهور کردند.
از سویی به نظر من اصلاحات ارضی در زمان خود اقدام بسیار مناسبی بود.
این اقدام در جامعه‌ای که بر بستر توزیع نابرابر زمین به‌عنوان یک دارایی بسیارمهم شکل گرفته، لازمه پیشبرد توسعه متوازن است.

اصلاحات ارضی یعنی عادلانه‌کردن توزیع زمین.
در آن مقطع در جامعه ایران نظام ارباب و رعیتی توزیع بسیار نابرابری را رقم زده بود.
به نظر من جهت‌گیری این سیاست درست بود اما به صورت ناقصی انجام شد یعنی بخش کشاورزی به نوعی پس از این اقدامات به حال خود رها و منابع، بیشتر صرف صنعتی‌شدن جامعه شد.
این مساله سبب افزایش مهاجرت از روستا به شهرها شد.
اگر بخواهیم به لحاظ اقتصادی این اقدام را به یک نظریه دیگر ارتباط دهیم، نظریه توسعه با عرضه نامحدود آرتور لوییس به میان می‌آید که به‌خوبی بر جامعه ما منطبق می‌شود.
این نظریه به این می‌پردازد که اگر بخش صنعت رشد کند، می‌تواند نیروی کاری را که در روستاها و در بخش کشاورزی آزاد می‌شود جذب کند.
این جذب چنانچه ادامه پیدا کند، سطح زندگی این افراد نیز

از حداقل‌ها فراتر می‌رود.
در ایران اما به این دلیل که بخش کشاورزی به حال خود رها شد و حمایت از کشاورزان خرده‌پا صورت نگرفت، کشاورزی به نقطه تجاری نرسید.
از طرف دیگر جمعیتی که از روستا به شهر مهاجرت کرد به‌خوبی در جامعه شهری ادغام نشد و موجب بروز حاشیه‌نشینی شد.
اگر در همان زمان سیاست‌های دولت رفاهی و طرح‌هایی مانند مسکن مهر اجرا می‌شد یکی از پایگاه‌های اصلی انقلاب شکل نمی‌گرفت.
در کنار همین مساله می‌توانیم به توزیع به‌شدت نابرابر درآمد در جامعه اشاره کنیم.
ضریب جینی در مقطع انقلاب ۵۲/۰ بود.
در حال حاضر این رقم حدود ۰/۴۰ است.
این هم خود دلیلی در وقوع انقلاب بود، در حالی‌که می‌توان با یک نظام مالیاتی تصاعدی جلوی این روند را گرفت.
در همان زمان کشورهای اسکاندیناوی با همین ابزار توزیع درآمد را عادلانه‌تر کردند.
این عوامل اقتصادی در کنار عوامل فرهنگی و بسته‌شدن فضای سیاسی دست‌به‌دست هم داد و منجر به انقلاب شد.
نتیجه این بحث برای امروز ما این است که اگر حکومت وظایف توسعه‌ای خود را به هر دلیلی به‌خوبی انجام ندهد طبیعی است که جامعه می‌تواند آبستن تحولات دیگری باشد.
این اتفاقات در دوران پهلوی رخ داد.
انقلاب یک پدیده قانونمند است.
جواهر لعل نهرو در کتاب نگاهی به تاریخ جهان می‌گوید: انقلاب‌ها مثل آتشفشان هستند.
آتشفشان را وقتی فوران می‌کند می‌بینیم اما محاصل سال‌ها فعل و انفعالات درون زمین است.
فوران انقلاب آن لحظه‌ای است که شاه در سال ۱۳۵۷ می‌گوید من صدای شما را شنیدم.
او اگر همین بختیار را در سال ۵۰ بر مسند کار می‌گذاشت و فضا را باز می‌کرد به احتمال زیاد انقلاب نمی‌شد.
انقلاب برای جامعه بسیار پرهزینه است، اما به‌عنوان یک پدیده قانونمند اگر به‌گونه‌ای عمل شود که شکاف‌ها ایجاد شوند و در طول زمان گسترش پیدا کنند و نتوان با اقداماتی عملگرایانه و جسورانه آنها را ترمیم کرد، ممکن است با دستان خود جامعه را به سمت شورش‌های کور هدایت کرد.
اگر منشأ تحولات سیاسی و انقلاب‌ها خود حکومت‌ها هستند، خود آنها هم می‌توانند از وقوع آن جلوگیری کنند.

خبر

قیمت نفت ایران ۱/۵دلار افزایش یافت

● **واحد مرکزی خبر:** قیمت نفت ایران با آغاز افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی، در هفته منتهی به دوشنبه، ۱۳ بهمن بیش از یک‌دلار و ۵۰سنت در هریشکه افزایش یافت.
قیمت نفت خام سبک‌وسنگین ایران در هفته منتهی به دوم فوریه با یک‌دلار و ۵۱سنت و یک‌دلار و ۷۶سنت افزایش به‌ترتیب به ۴۵دلار و ۳۰سنت و ۴۲دلار و ۵۵سنت در هریشکه رسید.
قیمت سبد نفتی اوپک نیز در هفته مورد اشاره به ۴۴دلار و ۸۴سنت رسید که نسبت‌به هفته گذشته یک‌دلار و ۶۴سنت افزایش یافته است.
حداکثر و حداقل قیمت سبد نفتی اوپک از ابتدای امسال تا دوفوریه به‌ترتیب ۵۰، ۵۲ و ۴۱دلار در هریشکه بوده است.
قیمت هریشکه نفت «دبلیوتی‌آی» و «برنت» نیز در بازارهای جهانی در هفته منتهی به دوم فوریه به‌ترتیب سه‌دلار و ۵۵سنت و پنج‌دلار و ۵۴سنت افزایش یافت و به ۴۹دلار و ۶۰سنت و ۵۲دلار و ۲۷سنت در هریشکه رسید.
قیمت نفت دوبی و عمان نیز با ۴،۸۲ و ۴/۲۷سنت افزایش به‌رتیب به ۴۹دلار و ۱۱سنت و ۴۹دلار و ۷۰سنت در هریشکه رسیده است.

هزینه معیشت خانوار ۳میلیون تومان شد

● **مهر:** نمایندگان کارگران می‌گویند بسته پیشنهادی خود درباره مزد ۹۴ را برمبنای هزینه‌های معیشت اعلامی از سوی استان‌ها تدوین ودر نشست هفته‌آینده شوراییعالی کار ارایه می‌کنند.
غلامرضا عباسی افزود: یکی از درخواست‌های کارگران از نمایندگان خود، پیگیری موضوع معیشت در شوراییعالی کار است و این موضوع مورد تأکید است که دولت باید به کارگران توجهات بیشتری داشته باشد.
دبیرکل کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران ادامه داد: متأسفانه در شرایط فعلی حداقل دستمزد ۶۰۹هزارتومانی کارگران حتی تأمین‌کننده یک‌سوم هزینه‌های ماهانه خانوارهای کارگری نیز نیست.
به‌صورت کلی در قالب بسته پیشنهادی که تدوین خواهیم کرد، موضوع تأمین معیشت به‌ویژه در ۱۶اقلم کالای اساسی مورد نیاز خانوار کارگری مورد توجه است.

